

بسم الله الرحمن الرحيم

www.ketab.ir

☐ اندیشه سیاسی - تربیتی علوی
در نامه‌های نهج‌البلاغه

کتاب برگزیده نمایشگاه بین‌المللی قرآن کریم / ۱۳۹۰
کتاب برگزیده جشنواره بین‌المللی پژوهش فرهنگی سال / ۱۳۹۰
کتاب برگزیده همایش ملی و جایزه ادبی علامه سید جعفر شهیدی / ۱۳۹۱

موضوع:

اندیشه سیاسی: ۱۲۱ (سیاسی - اجتماعی: ۲۷۵)

گروه مخاطب:

- تخصصی (طلاب و دانشجویان)

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۲۰۷

مستند انتشار (چاپ اول و باز چاپ): ۵۶۶۹

کتاب های دکتر احمد بهشتی / ۱۹

بهشتی، احمد، ۱۳۱۴ -

اندیشه سیاسی - تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه / شارح: دکتر احمد بهشتی. - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۶ -

ج. - (مؤسسه بوستان کتاب: ۲۲۰۷، کتاب‌های دکتر احمد بهشتی: ۱۹) (سیاسی - اجتماعی: ۲۷۵، اندیشه سیاسی: ۱۲۱)

ISBN 978-964-548-803-9 (د. ۹) ISBN 978-964-09-1445-8 (ج. ۸)

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیا.

فهرست نویسی بر اساس جلد هشتم: ۱۳۹۲.

Ayatollah Ahmad Beheshti, Ph.D. Imam Ali's Political and Cultural

Thought in Letters of Nahj al-Balaghah

ص. ع. به انگلیسی:

کتاب‌نامه.

مترجمان: ج. ۸. نامه‌های ۶۷ - ۷۹ -

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نامه‌ها - نقد و تفسیر. ۲. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نهج البلاغه - نقد و تفسیر. ۳. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - سیاست و حکومت. ۴. اسلام و سیاست. الف. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - نهج البلاغه. برگزیده، شرح. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مؤسسه بوستان کتاب. ج. عنوان. د. عنوان: نهج البلاغه. برگزیده. شرح.

۲۹۷ / ۹۵۱۵

الف ۹ ب / ۲۳ / ۳۸ BP

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۴۶۸۰۳

۱۳۹۲

اندیشه سیاسی - تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه

نامه‌های ۶۷ - ۷۹

جلد هشتم

آیة الله دکتر احمد بهشتی

اسلامدانشگاه تهران

بوسه
۱۳۹۲

اندیشه سیاسی - تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه / ج ۸

نامه‌های ۶۷ - ۷۹

- نویسنده: آیه‌الله دکتر احمد بهشتی
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی، حوزه علمیه قم)
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲ • شماره ثبت: ۸۰۰ • بهای: ۳۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

- ♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائی)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۷-۳۷۷۲۱۵۵، فکس: ۳۷۷۲۱۵۴، تلفن پخش: ۳۷۷۴۳۲۶
- ♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)
- ♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، میدان فلسطین، خ طوس، کوچه تیریز، پلاک ۳۰، تلفن: ۸۹۵۶۹۲۲
- ♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۲۲۳۳۶۷۲
- ♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰
- ♦ فروشگاه شماره ۵: اصفهان، میدان انقلاب، جنب سینما ساحل، تلفن: ۲۲۲۱۷۱۲
- ♦ فروشگاه کودک و نوجوان: قم، چهارراه شهدا، نیش خیابان ارم، تلفن: ۳۷۷۴۳۱۷۹
- ♦ پخش پکتا (پخش کتب اسلامی و انسانی)، تهران، خ انقلاب، بین ابوریحان و فلسطین، بن‌بست سروش، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۹۷۳۲۰۳

شماره ثبت: ۸۰۰، شماره چاپ: ۱۳۹۲، چاپخانه: بوستان کتاب، قم

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: <http://www.bustaneketab.com>

با قدرانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

• اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب: جواد آهنگر • ویراستار: ابوالفضل طریفه‌دار • چکیده عربی: سهیله خانقی • چکیده انگلیسی: مریم خانقی
 • فیبا: مصطفی محفوظی • مسئول واحد حروفنگاری: احمد مؤتمنی • حروفنگار: مهدیه قرباندوست • اصلاحات حروفنگاری: مهدیه قرباندوست و حسین محمدی
 • صفحه آرایی: فاطمه حیدری‌نژاد و احمد مؤتمنی • کارشناس و کنترل نمونه‌خوانی: محمدجواد مصطفوی • نمونه‌خوانی: رضا مهتاب، سیدکاظم رضوی و سیدرضا
 هدایتی • بازخوانی نهایی متن: ابوالفضل سلیمانی • کنترل فنی صفحه‌آرایی: سیدرضا موسوی‌منش • کارشناس طراحی و گرافیک: مسعود نجابتی • طراح جلد:
 امیرعباس رجبی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی • اداره آماده‌سازی: حمید رضا تیموری • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی.
 رئیس مؤسسه
 اسماعیل اسماعیلی

فهرست مطالب

پیش‌گفتار ۱۵

نایب: ۶۷: باز هم نامه‌ای به قثم

شان صدور ۲۴

هشت فرمان سرنوشت‌ساز ۲۹

۱. اقامه حج ۳۰

۲. یادآوری ایام‌الله ۳۸

۳. تشکیل جلسات مستمر علمی ۴۳

۴. حذف واسطه‌ها ۴۶

۵. لزوم دیدار نیازمندان ۵۰

۶. رهنمودی برای مصرف خزانة ۵۴

۷. رهنمودی دیگر ۵۸

۸. وظیفه مردم مکه ۶۴

یک استدلال قرآنی ۶۷

دو دعای خیر ۷۰

۱. توفیق ۷۲

۷۴ ۲. سلام

نامه ۶۸: نامه‌ای به سلمان فارسی

۸۰ شأن صدور

۹۱ مروری بر فرازهای نامه

۹۳ الف) شباهت دنیا به مار (مقدمه)

۹۷ ب) برخی از اوصاف مار

۹۸ نخستین دستور

۱۰۰ دومین دستور

۱۰۷ سومین دستور

۱۲۴ یک استدلال

۱۲۴ بعد اول

۱۲۹ بعد دوم

نامه ۶۹: نامه‌ای به حارث همدانی

۱۳۸ شأن صدور

۱۴۲ مروری بر مضامین بلند نامه

۱۴۴ ۱. جنگ زدن به ریسمان قرآن

۱۴۶ ۲. برخورداری از نصایح قرآن

۱۴۹ ۳. تبعیت از حلال و حرام قرآن

۱۵۱ ۴. تصدیق حقایق گذشته

۱۵۲ ۵. عبرت گرفتن از حوادث گذشته، برای آینده

۱۵۴ ۶. یاد کردن خدا به حق و به بزرگی

۱۵۶	۷. یاد مرگ و قیامت
۱۵۸	۸. آرزوی مرگ با اطمینان از رستگاری
۱۶۰	۹. پرهیز از کارهای خودپسند و مردم ناپسند
۱۶۳	۱۰. پرهیز از کارهای شرم آور و زشت
۱۶۵	۱۱. حفظ آبرو
۱۶۷	۱۲. تأمل در نقل شنیده ها
۱۷۰	۱۳. خودداری از تکذیب شنیده ها
۱۷۳	۱۴. فرو خوردن خشم
۱۷۶	۱۵. عفو و گذشت در عین داشتن قدرت
۱۷۸	۱۶. بردباری در حال خشم
۱۸۰	۱۷. گشاده رویی در حکومت
۱۸۳	۱۸. بهره گیری صحیح از نعمت های الهی
۱۸۳	الف) استصلاح نعمت
۱۸۶	ب) عدم تضييع نعمت
۱۸۷	ج) آشکار کردن آثار نعمت بر خویشان
۱۸۸	۱۹. فراهم کردن ذخیره آخرت
۱۹۳	۲۰. پرهیز از مصاحبت اشخاص سست رأی و بدکردار
۱۹۵	۲۱. سکونت در شهرهای بزرگ
۱۹۷	۲۲. پرهیز از مراکز غفلت و معصیت
۲۰۰	۲۳. پرهیز از کارهای بیهوده
۲۰۲	۲۴. پرهیز از نشستن در بازارها
۲۰۵	۲۵. ملاحظه زیردستان
۲۰۸	۲۶. ترک سفر پیش از نماز جمعه

- ۲۱۳ ۲۷. اطاعت خدا در همه کارها
- ۲۱۵ ۲۸. تدبیر و تربیت نفس برای عبادت
- ۲۱۸ دسته اول
- ۲۱۹ دسته دوم
- ۲۲۴ ۲۹. پرهیز از مرگ در حال غفلت و فرار از مولا
- ۲۳۱ ۳۰. پرهیز از مصاحبت فاسقان
- ۲۳۴ ۳۱. جمع میان تعظیم خدا و محبت اولیاء
- ۲۳۸ ۳۲. پرهیز از خشم و غضب یا لشکر شیطان

نامه ۷۰: نامه‌ای به سهل بن حنیف انصاری استاندار مدینه

- ۲۴۲ شأن صدور
- ۲۵۳ گریز مخفیانه
- ۲۵۹ یک توصیه سازنده
- ۲۶۶ ضرر و زیان فراریان
- ۲۷۰ از هدایت به ضلالت
- ۲۷۵ اقبال به دنیا و ادبار از آخرت
- ۲۷۷ عدل‌ستیزی فراریان
- ۲۸۱ مکتب والای مساوات
- ۲۸۷ عدالت‌گریزی و سهم‌خواهی
- ۲۸۸ نفرینی دردمندان!
- ۲۹۱ از کجا به کجا؟!
- ۲۹۷ درس نیایش

نامه ۷۱: نامه‌ای به منذر بن جارود

۳۰۲		شان صدور
۳۰۷		اوصاف زشت مخاطب نامه
۳۰۸		۱. انحراف از اصالت و شرافت خانوادگی
۳۲۰		۲. رام بودن در برابر هوای نفس
۳۲۳		۳. بی‌اعتنایی به توشه آخرت
۳۲۵		۴. آباد کردن دنیا و خراب کردن آخرت
۳۲۸		۵. صله ارحام با بریدن از دین
۳۳۱		۶. سقوط در ورطه هستی
۳۳۴		ضوابط و موانع
۳۳۵		الف) مرزبانی
۳۳۶		ب) فرمان‌روایی
۳۳۹		ج) ارتقاء مقام
۳۴۲		د) شرکت در امانت
۳۴۴		هـ) جمع‌آوری خراج و مالیات
۳۴۸		مرحله برکناری
۳۵۰		موانع جدی
۳۵۲		۱. خودنگری
۳۵۳		۲. افتخار به لباس
۳۵۵		۳. براق کردن کفش

نامه ۷۲: هشدار به عبدالله بن عباس

۳۵۹		شان صدور
-----	-------	----------

۳۶۰	بعد از حمد و صلوات.....
۳۶۴	مرگ در پیش رو.....
۳۸۳	رزق و روزی در راه!.....
۳۹۰	دنایای دو روزه!.....
۳۹۶	دست به دست شدن دنیا.....
۴۰۳	بی تأثیر بودن ضعف و قوت.....
۴۰۴	مرحلهٔ نخست.....
۴۰۵	دومین مرحله.....
۴۱۵	سومین مرحله.....

نامهٔ ۷۲: معاویه در دام شیطان

۴۲۲	شان صدور.....
۴۲۹	۱. پس از حمد و دزود.....
۴۲۹	۲. درسی از انتقادپذیری.....
۴۳۷	۳. خواب سنگین.....
۴۴۲	۴. تشبیهی دیگر.....
۴۴۵	۵. تشبیه معکوس.....
۴۴۷	۶. یک سوگند جانانه!.....
۴۵۴	۷. باز داشتهٔ شیطان!.....
۴۶۲	۸. سلام بر اهل سلام!.....

نامهٔ ۷۴: پیمان صلح و همکاری

۴۶۶	شان صدور.....
-----	---------------

۴۷۶	صلح جامع
۴۸۲	محورهای صلح
۴۸۳	۱. قرآن
۴۹۰	همگی در خدمت قرآن
۴۹۱	الف) محور بودن برای دعوت
۴۹۴	ب) محور بودن برای امر به معروف
۴۹۵	ج) هماهنگی با داعیان و آمران به قرآن
۴۹۶	د) مبادله نکردن قرآن
۴۹۹	۲. یک دست بودن
۵۰۳	۳. یاری کردن یکدیگر
۵۰۵	۴. دعوت هماهنگ
۵۰۸	۵. نشکستن عهد و پیمان
۵۱۰	الف) بی‌اعتنایی به سرزنش‌ها
۵۱۱	ب) بی‌اعتنایی به خشمگین‌ها
۵۱۶	ج) بی‌اعتنایی به تحقیرها
۵۱۸	د) بی‌اعتنایی به دشنام‌ها
۵۲۱	همه با هم
۵۲۳	مسئولیت در برابر عهد و پیمان
۵۲۴	مکتوب ماندگار علوی

نامه ۷۵: خطاب به معاویه در آغاز بیعت

۵۲۶	شان صدور
۵۳۲	از بنده خدا به معاویه

۵۴۳	 معذور بودن امام علی علیه السلام
۵۴۸	 روی گردانی امام علی علیه السلام از امویان
۵۵۴	 واقعه‌ای اجتناب‌ناپذیر
۵۶۲	 چه جای گفت و گو؟
۵۷۲	 بیعت یا تکلیف شرعی

نامه ۷۶: سفارشی به ابن عباس

۵۸۶	 شأن صدور
۵۹۳	 پنج رهنمود
۵۹۶	 ۱. سفارش به تقوا
۶۰۳	 ۲. سفارش به عدالت
۶۱۳	 ۳. سفارش به گشاده‌رویی
۶۱۵	 الف) گشاده‌رویی در دیدارها
۶۲۱	 ب) گشاده‌رویی در محافل رسمی
۶۲۱	 ج) گشاده‌رویی در مقام داوری
۶۲۳	 ۴. سفارش به خودداری از خشم
۶۳۱	 ۵. سفارش به اسباب تقرب به خدا

نامه ۷۷: رهنمودی به ابن عباس در برابر خوارج

۶۴۱	 شأن صدور
۶۴۷	 تفسیر نقلی و مشکلات آن
۶۵۳	 تفسیر اجتهادی و مشکلات آن
۶۶۳	 نگاه تفسیری جامع

۶۶۸	تفسیر المیزان
۶۷۱	ترک مناظره به قرآن
۶۹۰	چرا ترک؟
۷۰۸	احتجاج به سنت

نامه ۷۸: نامه‌ای به ابوموسی اشعری

۷۱۸	شان صدور
۷۲۴	بخش اول: مردم شناسی
۷۲۵	۱. اعراض کنندگان از بهره و نصیب
۷۳۱	۲. همراهان دنیا
۷۳۴	۳. سخن پردازان هوا و هوس
۷۳۸	۴. مجتمع خودخواهان
۷۴۱	معالجه اجمالی
۷۴۲	معالجه تفصیلی
۷۴۵	۵. امام علی علیه السلام طیب مهربان
۷۵۱	بخش دوم: اوصاف امام علی علیه السلام به قلم خودش
۷۵۲	۱. حریص ترین مردم به وحدت امت
۷۵۶	۲. جویای پاداش نیکو و سرانجام گرامی
۷۵۹	۳. بر سر پیمان، تا پای جان!
۷۶۴	۴. سرافراز در میدان عقل و تجربه
۷۶۶	۵. متفر از فساد و باطل
۷۶۸	بخش سوم: هشدار و اخطار به ابوموسی
۷۶۹	۱. پرهیز از جهالت

۷۷۰ ۲. محوریت بدسگالان

نامه ۷۹: نامه‌ای به فرماندهان در آغاز خلافت

۷۷۵ شأن صدور

۷۷۶ اسباب هلاکت

۷۸۱ جمع‌بندی اسباب

۷۸۲ ۱. طول آمال و پنهان بودن آجال

۷۸۲ ۲. جبهه‌گیری در برابر حق

۷۸۲ ۳. استبداد

۷۸۴ ۴. گنجوری

۷۸۵ ۵. قدر خویش ندانستن

۷۸۶ ۶. غلو و تقصیر درباره امام علی علیه السلام

۷۸۸ ۷. تسلیم شدن در برابر حوادث مهلک

۷۸۹ مروری بر آیات قرآن

۷۹۱ مروری بر مضامین نامه

۷۹۲ هلاکت در حق‌کشی

۸۰۶ هلاکت در سوق دادن مردم به باطل

۸۲۸ جهاد راستین علوی

پیش‌گفتار

با چکامه‌ای دیگر

بارالها، تو را سپاس گزارم که مرا توفیق دادی که با تبیین اندیشه تربیتی علوی در نامه‌های نهج البلاغه گامی به سوی رشد و نمو و نجات در راه خدمت به معارف ناب و اصیل اسلام بردارم.

بارالها، افتخار می‌کنم که به پیرانه سرور و انستم اوقاتی گران بها را صرف خدمت به آستان قدس علوی کنم و از خرمن پرفیض اندیشه‌های تابناک حضرت مولی‌الموالی بهره‌ها گیرم.

بارالها، زبان و قلم من از حمد و شکر نعمتی که به من عطا کردی و راه این نگاره را به روی من گشوده‌ای قاصر است؛ ولی از اظهار عجز قاصر نیستم، و این خود، نشان حمد و شکر است.

بار خدایا، این عبد ضعیف در توان خود نمی‌دید که بتواند علی‌رغم همه مشکلات و مصایب، ۷۹ نامه نهج البلاغه را در هشت جلد و بیشتر از ۳۵۰۰ صفحه شرح دهد؛ آن هم شرحی که منبعش قرآن و حدیث و خود نهج البلاغه است، و نه استفاده از شروح شارحان و تراجم مترجمان.

بارالها، به شکرانه و حمدانه این نعمت بزرگ، بر محمد و آل پاک و معصومش درود می‌فرستم و این اثر را تقدیم محضر مبارک نور چشم پیامبر و خاندانش مهدی

منتظر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - می‌کنم، و از تو می‌خواهم که ثوابش را هدیه روح پدر و مادر و محسن عزیز و شهیدم فرمایی.

بار پروردگارا، در سال‌هایی که به نوشتن اندیشه‌های ناب علوی در نامه‌های نهج البلاغه مشغول بودم بسیاری از دوستان آشنا و ناآشنا از دور و نزدیک، مرا مورد لطف و تشویق قرار دادند؛ به ویژه برخی از فرهیختگان که ستایش آن‌ها شوق‌آفرین و شورانگیز بود، و این کار دشوار را آسان و آسان‌تر می‌کرد؛ هر چند اصل و اساس، امداد غیبی و الهاماتی بود که در شروع و ادامه کار، تا مرحله اتمام به من نیرو و قوت اراده می‌بخشید.

بار خدا، اگر باز هم توفیق دهی که این قلم را بر زمین نگذارم و هم‌چنان به خوشه‌چینی از حرم تعریف ناب علوی ادامه دهم و حکمت‌های عالم تاب آن امام برحق پویندگان راه خیر و سعادت را در کلمات قصار نهج البلاغه به نمایش گذارم، بر من منت نهاده‌ای؛ آن هم متنی که از آغاز زندگی بدرقه راهم کرده‌ای، و امیدوارم که تا آخرین نفس از من دریغ نفرمایی.

بارالها، هنگامی که در دانشکده کشیش‌های مسکوب برای دانشجویان ارتدکس سخن می‌گفتم^۱ شاهد بودی که این جمله را از حکمت‌های علوی آوردم و شرح دادم، و مترجم به زبان روسی ترجمه کرد:

النَّاسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَ هَمَجٌ رَعَاةٍ^۲

مردم سه گروه‌اند: دانشمند ربانی و دانش‌پسند روحانی و پشه بادهای گمراهی و نادانی.

در آن محفل طلبگی که طلاب ارتدکس با اساتید و رئیس و مسئولان آن حوزه

۱. تیر ۱۳۹۱.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

کشیشی و جمعی از فضلاء ایرانی حضور داشتند، اضافه کردم که این سخن از امام اول ما امیرالمؤمنین علی علیه السلام است، و چون وجه مشترک ما و شما تبلیغ دین است، امیدوارم به یاری حق، از گروه اول یا دوم باشیم، و نه از گروه سوم!

هنگامی که نوبت سخن به اسقف رسید، پیدا بود که از شنیدن کلام حضرت مولی الموالی به وجد آمده است، زیرا از من به خاطر استناد به آن سخن حکیمانه تشکر کرد، و نشان داد که بدون این که ادعایی داشته باشد، آرزومند است که از گروه سوم نباشد!

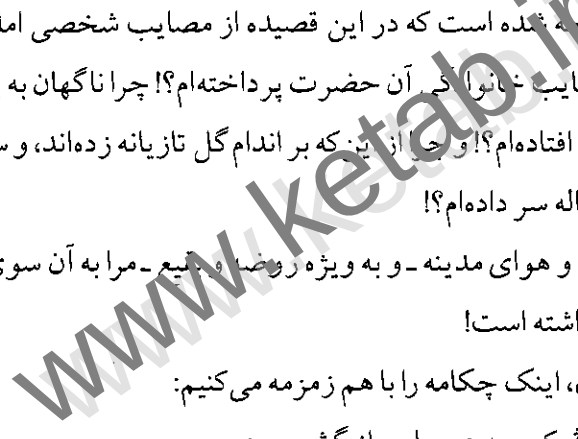
با این اتفاق جالب، متوجه شدم که حکمت‌های ناب نهج البلاغه جاذبه‌ای بسیار قوی دارد، به طوری که می‌تواند همه پیروان ادیان توحیدی، بلکه همه افراد نوع انسانی را به خود جذب کند پس چرا از بیان و نشر آن‌ها کوتاهی کنیم و ذایقه تشنگان حکمت را به آن‌ها شاداب نسازیم؟

به همین جهت بود که کم‌کم این برادریان پدید آمد که با همان سبکی که در مورد نامه‌های نهج البلاغه، عمل می‌کردم، کارم را در مورد حکمت‌ها نیز ادامه دهم؛ بدان امید که این خدمت نیز، مقبول بارگاه عالی جاه علوی واقع شود.

بارخدا، تو شاهد بودی که در بیشتر اوقاتی که مشغول سرخ‌نامه‌ها و بیان اندیشه‌های سیاسی تربیتی علوی و استخراج و اصطیاد نکته‌ها بودم، به همراه اشک قلم، از دیدگانم اشک جاری بود، چرا که سیمای مبارک و بسیار مظلومانه آن محبوب همه محبان، و آن معشوق همه عاشقان چنان در برابر من مجسم می‌شد که مرا از خود بی‌خود می‌کرد، و طاقتم به طاق می‌رسید، و دلم پروانه‌وار در پرتو شمع وجود ذی‌جودش می‌سوخت و می‌گداخت. این جاست که آرزوی فنا در شعاع شمس ولایت و شمس عنایت می‌کردم؛ بلکه می‌خواستم از فنا هم فانی شوم؛ بلکه در آینه تمام‌نمای وجودش جمال حق مطلق را شهود کنم!

بار پروردگارا، توبه من الهام کردی که در مقدمه هر یک از مجلدات هفت‌گانه

پیشین چکامه‌ای از آثار طبع گره خورده خویش که در محضر امام علی علیه السلام و دیگر شמוש درخشان امامت و ولایت گشوده می‌شد، قصیده‌ای تقدیم کنم. از ماه‌ها پیش در فکر بودم که در مقدمه این آخرین جلد از مجلدات مربوط به نامه‌های علوی در نهج البلاغه چکامه‌ای تقدیم محضر جناب ذوالمعالی و سید السادات والموالی نمایم. خوشبختانه در سفر عمره و زیارت عتبات عالیات که در خرداد ماه امسال اتفاق افتاد، قصیده‌ای در چهل بیت سروده شد، و اینک به رسم همیشه در این جا می‌آورم. اگر چه:

پای ملخی نزد سلیمان بردن عیب است و لیکن هنر است از موزی
نمی‌دانم چه شده است که در این قصیده از مصایب شخصی امام علی علیه السلام فراتر
رفته، و به مصایب خانوادگی آن حضرت پرداخته‌ام؟! چرا ناگهان به یاد سیلی و شلاق
و شعله و دود افتاده‌ام؟! و چرا از این که بر اندام گل تازیانه زده‌اند، و ساقه عود بر زمین
افتاده است، ناله سر داده‌ام؟! 

شاید حال و هوای مدینه - و به ویژه روضه و بایع - مرا به آن سوی کشیده، و شاید
دلیلی دیگر داشته است!

به هر حال، اینک چکامه را با هم زمزمه می‌کنیم:

شکر الله که علی راز گشود

بر من غم زده اسرار نمود

بربط آهنگ سماوی بنواخت

نغمه عشق به جانم بسرود

عقل قدسی چه نوایی سر داد

دل و دین را ز کف من بر بود

یک سر از کون و مکان دل کردم

جان من در کف او بغنود

شاد از آنم که شب و روز کنم
 عرضه بر محضر او مدح و درود
 او نشسته است بر اورنگ خلوص
 از فنا جست بقا یافت خلود
 عجب از حلیم فلک‌سای علی
 صدمه‌ها دید از آن قوم عنود
 گر بپرسی ز منت می‌گویم
 کیش آن قوم بود کفر جحود
 کس چه داند چه مقامی دارد
 می‌دهد مزد مرار و دود
 من وضو ساختم از چشم عشق
 گریزان شوم از بود و نبود
 «از چه خورشید پناه است به ابر»
 اف به بر تویم آن قوم عنود
 «تَبَّتْ» آن دست که سیلی می‌زد
 از چه رو روی قمر گشت کسود
 تاخت بر خانه عشق و ایثار
 این بود کبکبه عاد و ثمود
 اف به غارتگر میراث وصی
 نبود جایگش جز اخدود
 گل کجا ضربه شلاق کجا؟!
 از چه افتاد ز پا ساقه عود؟!

خانه بد مهبط جبریل امین
 از چه برخاست ز در شعله و دود؟!
 آنچه رخ داد به نام اسلام
 کی روا داشت فرنگی و یهود؟!
 بنگر ای دوست به آیات بروج
 گشت تکرار احادیث جنود
 آمد از غیب مرا بانگ سروش
 مستم از باده آن گفت و شنود
 رمز ترخید علی از من پرس
 پیش او بود سوی الله نمود
 از مجازات گذر بر من پرید
 دیدگان را به حقیقت بگشود
 جرعه‌ای داد مرا از می عشق
 تا رسد به مقامات شهود
 دادم از جام تولا قسحی
 تا تهی کرد دلم را ز خمود
 خیمه بی پایه کجا بر سر پاست؟!
 اوست در خیمه دین یکه عمود
 راه او راه رسولان خداست
 ره مجو غیر ره صالح و هود
 حجت حضرت حق قرآن است
 نیست حاجت به کتاب تلمود

نهج او تالی قرآن حکیم
 غیر این‌ها ندهد اندک سود
 از دو آه‌نگ به وجد آمده‌ام
 می‌گریزد دلم از نغمه عود
 هر که زین هر دو نیاموخت ادب
 فاش گویم عدمش به وجود
 هر که هر سو برود گو برود
 راه عقل است سعادت نه جمود
 کارها شد که شگفت افزاید
 نه مجوسی بی‌سند نه جهود
 سیل اشک از مژه ریختن کرد
 نه غم بسراید داوود
 نک هوای دل من ابر گرفت
 اف بر آن دیبده آل سعود
 حق پسر عم ورا قبر آن داد
 کافر افتاد به گرداب صعود
 او به حق نهج بلاغت سپرد
 تا کند راه ستم را مسدود
 از ریاحین کلامش همه مست
 طالع روی مه او مسعود
 کرد خاموش به اعجاز سخن
 شعله آتش کید نمرود

هر که بر زمزمه‌اش دل سپرد

می‌پرد از سر او نغمه رود

خانه‌اش خانه جود است و کرم

«هل أتی» آمده بر خانه جود

عارف از مکتب او درس گرفت

«شرف مرد به جود است و کرامت ز سجود»

بار خدایا، بر خود فرض می‌دانم که در این پیش‌گفتار آخرین مجلد، از مجلدات

هشت‌گانه مربوط به نامه‌ها، از همه کارکنان خدوم و صمیمی بوستان کتاب، به ویژه از

مدیریت پرورش سابق آن، حضرت شمس - ادام‌الله توفیقاته - و مدیریت متعهد

کنونی، حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای اسماعیلی - ادام‌الله تأییداته - و مدیریت

دل‌سوز تولید حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای اشرفی - ادام‌الله برکات وجوده -

صمیمانه تشکر کنم، و از خدای بزرگ ترفیقات روزافزون معظم لهم را در نشر

معارف اسلام و خدمت به آستان قدس قرآن و عزت خواهانم، و صد البته که در

پیشگاه خدای ثقلین مثاب و مأجورند.

حوزه علمیه قم - شهریور ۱۳۹۱

احمد بهشتی